



Vol. 12 | Issue. 46 | 2025 |

<https://andishehsiyasi.ri-khomeini.ac.ir>

<https://10.22034/jpti.2026.566715.1485>

The Evolution of Fathullah Gülen’s Political Discourse: Reflections on the Religion–Society Nexus

Mohammad Ali Nazari 

Assistant Professor, Department of Philosophy, Theology, and Islamic Studies, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran. m.a.nazary@iaau.ac.ir

Article Info

Article Type:

Research Article

Received:

2025 /11 /25

Revised:

2025 /12 /18

Accepted:

2025 /12 /25

Published Online:

2026 /01 /20

Abstract

The Gülen political–social discourse emerged in the 1970s around the central signifier of “service” (hizmet) and gradually evolved into a transnational religious–social movement. Within this discourse, service to society is articulated through concepts such as modern education, science, Islamic ethics, and intercultural dialogue, forming a coherent chain of equivalence. By synthesizing Islamic teachings with modern values, the Gülen discourse seeks to reconcile religious faith with scientific advancement while emphasizing pragmatism, social responsibility, and the active role of civil society. From the 1990s onward, the movement significantly expanded its educational, academic, and philanthropic activities beyond Turkey, extending its reach to Central Asia, Europe, the United States, and Africa. Employing Laclau and Mouffe’s discourse theory, this study examines the transformation of the Gülen discourse in the context of hegemonic crises and sustained political pressure, addressing how the discourse has undergone processes of change, contestation, and reconstruction over time. The findings demonstrate that, in response to power struggles and discursive exclusion, the Gülen discourse has strategically rearticulated its religious and cultural foundations. In contrast to the authoritarian discourse of the Erdoğan government—characterized by a crisis of meaning—the movement has sought to maintain internal cohesion and diasporic legitimacy through the reconstruction of its discursive order and a renewed emphasis on service, education, and dialogue.

Keywords: Discourse; Fathullah Gülen; Turkey; Representation; Religion and Society



تطور گفتمان سیاسی فتح‌الله گولن (تأملی در پیوند دین و جامعه)

محمد علی نظری 

استادیار گروه فلسفه، الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

m.a.nazary@iau.ac.ir

چکیده	اطلاعات مقاله
گفتمان سیاسی گولن از دهه ۱۹۷۰ با محوریت «خدمت» شکل گرفت. دال مرکزی این گفتمان، خدمت به جامعه است که از طریق مفاهیمی چون آموزش مدرن، علم، اخلاق اسلامی و گفتگوی بین‌فرهنگی تعریف شده و زنجیره‌ای از هم‌ارزی‌های معنایی را پدید آورده است. گفتمان گولن با تلفیق آموزه‌های اسلامی و ارزش‌های مدرن، تلاش می‌کند میان ایمان دینی و پیشرفت علمی آشتی برقرار کند. از دهه ۱۹۹۰، این جنبش با گسترش فعالیت‌های آموزشی، دانشگاهی و خیریه، دامنه نفوذ خود را فراتر از ترکیه و به مناطق مختلفی از جمله آسیای میانه، اروپا، آمریکا و آفریقا گسترش داد. این پژوهش با بهره‌گیری از تحلیل گفتمان لاکلاو و موف، به بررسی تحول گفتمان گولن در بستر بحران‌های هژمونیک و فشارهای سیاسی می‌پردازد و می‌کوشد پاسخ دهد که این گفتمان چگونه در طول زمان دچار تغییر، بحران و بازسازی شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این گفتمان، آموزه‌های دینی و فرهنگی خود را در مواجهه با منازعات قدرت و طرد گفتمانی بازتعریف کرده است و در تقابل با گفتمان اقتدارگرای دولت اردوغان که با بحران معنایی مواجه شده، تلاش کرده است از طریق بازسازی نظم گفتمانی و تأکید مجدد بر خدمت، آموزش و گفتگو، انسجام و اعتبار دیاسپورای خود را حفظ کند.	<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۰۴</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۹/۲۷</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۴</p> <p>انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۱۰/۳۰</p> <p>صفحات: ۱۶۲ - ۱۳۳</p>
کلیدواژه‌ها: گفتمان، فتح‌الله گولن، ترکیه، بازنمایی، دین و جامعه.	

مقدمه

در دهه‌های اخیر، گفتمان‌های دینی-مدنی در جهان اسلام به یکی از مهم‌ترین عرصه‌های منازعه فکری و سیاسی تبدیل شده‌اند و می‌کوشند نسبت میان دین، جامعه، قدرت سیاسی و مدرنیته را بازتعریف کنند. گفتمان گولن یا «جنبش خدمت» از دهه ۱۹۷۰ در ترکیه شکل گرفت و با تأکید بر مفاهیمی چون خدمت، آموزش، اخلاق اسلامی و گفتگوی بین‌فرهنگی، بدیلی در برابر سکولاریسم دولتی کمالیستی و اسلام‌گرایی سیاسی قدرت‌محور ارائه داد. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، دامنه فعالیت‌های خود را به مناطق مختلفی از جمله اروپا، آمریکا، آسیا و آفریقا گسترش داد. تحولات سیاسی ترکیه، به‌ویژه از اوایل دهه ۲۰۱۰ و پس از کودتای نافرجام ۲۰۱۶، جنبش گولن را وارد مرحله‌ای بحرانی کرد. در این دوره، گفتمان مسلط دولت ترکیه، این جنبش را از یک کنشگر مشروع اجتماعی به «دیگری تهدیدآمیز» بازتعریف نمود و دال مرکزی «خدمت» دچار دگرگونی معنایی و طرد شد. این وضعیت نشانه بروز بحران هژمونیک و فروپاشی نسبی نظم گفتمانی پیشین جنبش بود که پیامدهای آن در سطح مشروعیت اجتماعی، انسجام درونی و بازتعریف هویت جنبش آشکار شد.

گفتمان جنبش گولن چگونه در بستر تحولات سیاسی و فشارهای هژمونیک، دچار تغییر، بحران و بازسازی شده است. به بیان دیگر، دال‌های مرکزی، زنجیره‌های هم‌ارزی و تفاوت و شیوه‌های مفصل‌بندی معنایی در گفتمان گولن چگونه در طول زمان دگرگون شده‌اند و این دگرگونی‌ها چه نسبتی با منازعه قدرت، طرد گفتمانی و بازتعریف مشروعیت دارند. بخش عمده‌ای از مطالعات موجود، یا جنبش گولن را صرفاً از منظر جامعه‌شناختی، امنیتی یا تاریخی بررسی کرده‌اند، یا تمرکز خود را بر پیامدهای سیاسی تقابل آن با دولت ترکیه نهاده‌اند؛ درحالی‌که تحلیل منسجم و زمان‌مند تحول گفتمانی این جنبش، به‌ویژه با بهره‌گیری از چهارچوب نظری پسا ساختارگرایی لاکلاو و موف، کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

از این‌رو، مسئله محوری پژوهش حاضر، فهم منطق درونی تحول گفتمان گولن است؛ اینکه چگونه یک گفتمان دینی-مدنی با ادعای خدمت، اخلاق و آموزش، ابتدا به هژمونی نسبی دست می‌یابد، سپس در مواجهه با بحران‌های سیاسی و رقابت‌های قدرت دچار طرد و بی‌قراری می‌شود و در نهایت می‌کوشد از طریق بازسازی نظم گفتمانی، قابلیت دسترسی و اعتبار خود را - این بار عمدتاً در بستر دیاسپورا - احیا کند. تبیین این فرایند، نه تنها برای

فهم ماهیت و سرنوشت جنبش گولن ضروری است، بلکه می‌تواند الگویی تحلیلی برای بررسی سایر جنبش‌های دینی-مدنی معاصر در جهان اسلام فراهم آورد که در معرض بحران‌های مشابه هژمونیک و مشروعیتی قرار دارند.

ضرورت علمی پژوهش

بررسی تطور اندیشه سیاسی و گفتمان جنبش گولن از منظر تحلیلی-نظری دارای اهمیت ویژه‌ای است؛ زیرا این جنبش به‌عنوان یکی از نمونه‌های برجسته جنبش‌های دینی-مدنی معاصر، قرائتی بدیل از نسبت دین، جامعه و مدرنیته ارائه کرده است. باوجود نفوذ گسترده آن، اغلب پژوهش‌ها به توصیف تاریخی یا پیامدهای سیاسی و امنیتی محدود شده و تحلیل گفتمانی تحول اندیشه سیاسی گولن کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بهره‌گیری از نظریه گفتمان لاکلاو و موف امکان بررسی پویای مفاهیمی چون دال مرکزی، هژمونی و بحران گفتمانی را فراهم می‌سازد و جنبش گولن را به‌مثابه گفتمانی در حال تحول تحلیل می‌کند. این رویکرد، به‌ویژه در تحلیل تحول معنای دال «خدمت» در شرایط فشار سیاسی و ترد گفتمانی، به فهم عمیق‌تری از بازسازی یا فروپاشی هژمونی‌های دینی کمک می‌کند. ازاین‌رو، این پژوهش با پیوند دادن اندیشه سیاسی، تحلیل گفتمان و تحولات سیاسی-اجتماعی ترکیه، الگویی تحلیلی برای مطالعه تعامل دین، جامعه مدنی و قدرت سیاسی ارائه می‌دهد که قابلیت تعمیم به سایر جنبش‌های دینی-مدنی معاصر را نیز دارد.

فرضیه

گفتمان گولن در واکنش به بحران‌های هژمونیک و فشارهای سیاسی، دچار تحول شده و از طریق بازسازی نظم گفتمانی و بازتعریف مفاهیم کلیدی، در پی حفظ مشروعیت و تثبیت موقعیت خود بوده است. این گفتمان با تأکید بر انعطاف‌پذیری مفهومی و بهره‌گیری از ابزارهای رسانه‌ای و آموزشی، تلاش کرده قابلیت دسترسی و جذب مخاطبان خود را افزایش دهد. در این چهارچوب، تغییر استراتژی‌های گفتمانی - از جمله حرکت به سوی رویکردهای محافظه‌کارانه‌تر یا تعاملی‌تر - بخشی از راهبرد جنبش برای مقابله با فشارهای بیرونی و تداوم حضور اجتماعی و سیاسی آن به شمار می‌آید.

۱. پیشینه تحقیق

یاووز در کتاب *Toward an Islamic Enlightenment: The Gülen Movement*، گفتمان گولن را نوعی «اسلام مدرن و عقلانی» معرفی می‌کند که می‌کوشد میان ایمان دینی و پیشرفت علمی آشتی برقرار کند. وی نشان می‌دهد که گولن با تأکید بر «اخلاق خدمت» توانسته است پایگاه اجتماعی گسترده‌ای در طبقه متوسط شهری ترکیه ایجاد نماید. توشال در کتاب *Passive Revolution* گفتمان گولن را بخشی از پروژه بزرگ‌تر «اسلام نولیبرال» می‌داند که در چهارچوب نظام سرمایه‌داری جهانی توانسته است چهره‌ای نرم و سازگار از اسلام ارائه کند. از نظر او، این جنبش نه در برابر قدرت، بلکه درون ساختار قدرت عمل می‌کند. چنین سایا در مقاله‌ای در نشریه *Middle Eastern Studies*، تحول گفتمان جنبش گولن از «اسلام مدنی» به «قدرت سیاسی» را بررسی کرده و نشان می‌دهد که پس از دهه ۲۰۱۰ میلادی، این جنبش از گفتمان اخلاقی فاصله گرفته و به بازیگر سیاسی در برابر حزب عدالت و توسعه تبدیل شد. بلیچی در اثر خود *Finding Mecca in America*، به جهانی شدن گفتمان گولن و انتشار مدارس و رسانه‌های مرتبط با این جنبش در خارج از ترکیه اشاره می‌کند. وی جنبش را نمونه‌ای از «اسلام دیاسپورایی» می‌داند که با بهره‌گیری از گفتمان گفتگوی تمدن‌ها، چهره‌ای جهانی از اسلام عرضه کرده است. نوروزی (۱۳۹۱) با رویکردی تحلیلی، تاریخچه جنبش گولن و راهکارهای نظری و عملی آن برای سازگاری اسلام با مدرنیته و گسترش جهانی را بررسی کرده است. میراحمدی و رضایی (۱۳۹۴) گفتمان گولن را اسلامی هویت‌محور، مدرن و فرهنگی معرفی کرده‌اند که از سیاست‌ورزی مستقیم فاصله می‌گیرد و اصلاح فردی، اجتماعی و فرهنگی را از مسیر آموزش و گفتگو دنبال می‌کند. شعیب (۱۳۹۷) تأکید دارد که با توجه به نقش پررنگ گولن در سیاست، جامعه و اقتصاد ترکیه و تقابل فکری آن با اسلام انقلابی ایران، بررسی ماهیت و تأثیرگذاری این جریان اهمیت ویژه‌ای دارد. مجیدی (۱۳۹۵) با به کارگیری چهارچوب چهار مرحله‌ای اسپرینگر، دیدگاه گولن درباره چالش‌های جهان اسلام، فقر، تفرقه و افراط‌گرایی و راهکارهایش برای ایجاد آرمان‌شهری مبتنی بر تغییرات اخلاقی، آموزش، دموکراسی و تساهل را تحلیل کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که جنبش گولن برای تحقق این اهداف، شبکه‌ای گسترده

از فعالیت‌های آموزشی، اقتصادی و تبلیغاتی در سطح جهانی ایجاد کرده است. ترابی و پیروزی (۱۳۹۶) دیدگاه گولن را با یوسف قرضاوی مقایسه کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد گولن دین و دولت را جدا از سیاست و مبتنی بر سکولاریسم می‌داند، در حالی که قرضاوی جدایی دین از سیاست را ناسازگار با اسلام می‌بیند. هر دو به دموکراسی و نقش زنان در جامعه مدنی توجه دارند؛ اما قرضاوی رعایت کامل شئون اسلامی را پیش شرط حضور زنان می‌داند. همچنین گولن بر نوع‌ثمنی‌گری و تأکید بر قومیت و نژاد تمرکز دارد، در حالی که قرضاوی بر امت واحده اسلامی و اصالت مبانی اسلامی تأکید می‌کند.

۲. تفاوت و شباهت (شکاف تحقیقاتی)

مرور ادبیات نشان می‌دهد مطالعات مربوط به جنبش گولن عمدتاً در چهار حوزه تاریخی-توصیفی، جامعه‌شناختی-آموزشی، سیاسی-امنیتی و الهیاتی متمرکز بوده‌اند. با وجود این تنوع، پژوهش‌های موجود با سه خلأ اساسی مواجه‌اند: نخست، غفلت از تحلیل جنبش گولن به مثابه یک گفتمان اندیشه سیاسی در حال تحول و تمرکز بیش‌ازحد بر آن به عنوان بازیگر سیاسی یا شبکه نهادی؛ دوم، فقدان نگاه زمان‌مند و فرایندی به تحولات گفتمانی جنبش و گسست تحلیلی میان دوره پیش از بحران و پس از آن؛ سوم، نبود تحلیل نظری منسجم مبتنی بر چهارچوب گفتمان لاکلاو و موف برای بررسی مفاهیمی چون دال مرکزی «خدمت»، مفصل‌بندی معنایی، هژمونی، طرد و بازسازی گفتمانی. از این رو، شکاف اصلی پژوهش در فقدان تحلیلی نظری، گفتمانی و تاریخی از تحول اندیشه سیاسی جنبش گولن نهفته است؛ شکافی که پژوهش حاضر می‌کوشد با ارائه الگویی تحلیلی برای فهم منازعات هژمونیک در جنبش‌های دینی-مدنی معاصر آن را پر کند.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر روش، کیفی و از حیث شیوه گردآوری داده‌ها، اسنادی-کتابخانه‌ای است. داده‌های پژوهش شامل متون گفتمانی مرتبط با جنبش گولن است که به صورت هدفمند گردآوری شده‌اند. این متون در دو سطح منابع اولیه و ثانویه سامان‌دهی شده‌اند. منابع اولیه شامل آثار مکتوب، سخنرانی‌ها، پیام‌ها و بیانیه‌های فتح‌الله گولن و متون رسمی

و رسانه‌ای وابسته به جنبش در دوره‌های زمانی مختلف و ارجاع به وب سایت رسمی این سازمان است. منابع ثانویه نیز شامل کتاب‌ها، مقالات علمی- پژوهشی، پایان‌نامه‌ها و گزارش‌های تحلیلی مرتبط با موضوع پژوهش است که برای زمینه‌سازی نظری و تاریخی و تکمیل تحلیل مورد استفاده قرار گرفته‌اند. انتخاب متون بر اساس نمونه‌گیری هدفمند و با توجه به ارتباط مستقیم با مفاهیم کلیدی پژوهش و بازنمایی دوره‌های مختلف تحول گفتمان جنبش (شکل‌گیری، هژمونی نسبی، بحران و بازسازی) انجام شده است. داده‌های گردآوری شده پس از سازمان‌دهی اولیه، مبنای تحلیل گفتمانی پژوهش قرار گرفته‌اند.

۴. چهارچوب مفهومی

تحلیل گفتمان^۱ بر اساس الگوی لاکلاو و موف با تمرکز بر «مفصل‌بندی‌های گفتمانی»، «دال‌های مرکزی» و «مرزهای معنایی» به بررسی چگونگی ساختار و تحول گفتمان‌ها می‌پردازد. تحلیل گفتمان یکی از روش‌های کیفی و پر کاربرد در دنیای معاصر تلقی شده و درک ما بر اساس یک چهارچوب گفتمانی شکل و مبنای تحلیل ما واقع می‌شود، گفتمان‌ها نظام معنایی هستند که باورهای ما را نسبت به واقعیت‌های مختلف سیاسی و اجتماعی را شکل و محتوا می‌دهند (بخشایشی، ۱۳۸۸، ص. ۶۳). فوکو نظریه گفتمان را مجموعه‌ای از مفاهیم و گزاره‌های تحلیلی - نظری در چهارچوب‌های تاریخی و زمینه محور برای تحلیل صورت‌بندی‌های گفتمانی دانسته است (Torfin, 1999, p.12). گفتمان یک نظریه ضد معرفت‌شناسی است هرچند به معنی بی‌توجهی به دانش یا حقیقت نیست، بلکه به ارتباط تأثیر واقعیت‌های اجتماعی مانند قدرت بر تارک اندیشه می‌پردازد (نش، ۱۳۹۱، ص. ۵۲). یورگنسن و فیلیپس معتقدند گفتمان به تبدیل عناصر به وقته‌ها از طریق تقلیل چندگانگی معنایی‌شان به یک معنای کاملاً تثبیت مورد توجه قرار می‌دهد (سلطانی، ۱۳۸۴، ص. ۷۹). لاکلاو و موف اعمال، گفتار و پدیده‌ها زمانی معنادار و قابل فهم می‌شوند که در چهارچوب گفتمانی خاص قرار بگیرند (تاجیک، ۱۳۷۹، ص. ۱۶)؛ زیرا امور و اشیای فراگفتمانی بی‌شکل و به تبع آن برای ما، غیر قابل فهم و دریافت هستند (سلطانی، ۱۳۸۴، ص. ۷۴). لاکلاو ریشه نظریه گفتمان

1. Social fact

را در سه جریان عمده فلسفی قرن بیستم شامل مباحثی همچون فراروایت‌ها یا روایت‌های بزرگ لیوتار^۱، رویکرد بنیادستیزانه‌ای ریچارد رورتی^۲ و رویکردهای جوهرشناسانه ژاک دریدا^۳ می‌شود (مارش و استوکر، ۱۳۸۴، ص. ۱۹۶).

شیوه تفکر، بنای جامعه و عمل اجتماعی، محصول مفصل‌بندی‌های هژمونیک سیاسی است. نظام رابطه‌های اجتماعی نیز برآمده از گفتمان‌ها و پدیده‌ای سیاسی است؛ بنابراین گفتمان‌هایی که جامعه را می‌سازند و به فهم ما از جهان نظم می‌بخشند در ذات خود سازه‌هایی سیاسی‌اند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۹، ص. ۲۹). قدرت از نظر لاکلاو و موف، عبارت است از «قدرتِ تعریف کردن و تحمیل این تعریف در برابر هر آنچه آن را نفی می‌نماید» (نش، ۱۳۹۱، ص. ۴۹) و در منازعات سیاسی، آن گفتمانی پیروز خواهد بود که به ابزارهای قدرت بیشتری دسترسی داشته باشد. نورمن فرکلاف برای توضیح این مطلب از مفهوم «قدرت پشت گفتمان» استفاده کرده است (Fairclough, 2001, p.53). عناصر و مفاهیم نظریه گفتمان لاکلاو و موف شامل موارد زیر می‌گردد.

۱. **دال مرکزی و حوزه گفتمانی**^۴: هسته منظومه گفتمانی را دال مرکزی تشکیل می‌دهد، مفاهیمی که در درون یک گفتمان سازمان‌دهی می‌شوند، گرد یک دال مرکزی ایجاد می‌شوند (هوارث، ۱۳۷۷، ص. ۱۶۵). عناصری که همواره امکان ورود به ساخت گفتمانی و تغییر شکل‌بندی آن را دارند در فضایی بسر می‌برند که از سوی لاکلاو و موف حوزه گفتمان گونگی خوانده می‌شود که مانع اشباع معانی می‌شوند و دال را ترغیب به شناور بودن می‌نمایند (Laclau & Mouffe, 1985, p.112).

1. Jean-François Lyotard
2. Richard Rorty
3. Jacques Derrida
4. Field of discourse
5. nodal point

۲. زنجیره هم ارزی^۱ و خصومت و غیریت^۲: زنجیره هم ارزی به پیوند میان دال‌ها (واژه‌ها، مفاهیم یا نشانه‌ها) اشاره دارد که همگی در برابر یک دال یا گفتمان رقیب، در یک صف واحد قرار می‌گیرند. خصومت و غیریت نیز همچون مفهوم بی‌قراری، از آنجاکه وجود یک گفتمان را تهدید می‌کند و همواره آن را در معرض فروپاشی قرار می‌دهد، به امکانی، تصادفی و موقتی بودن پدیده‌ها و گفتمان‌ها اشاره دارد (حسینی‌زاده، ۱۳۸۹، صص. ۲۴-۲۶).

۳. خصومت و غیریت^۳: خصومت و غیریت نیز همچون مفهوم بی‌قراری، از آنجاکه وجود یک گفتمان را تهدید می‌کند و همواره آن را در معرض فروپاشی قرار می‌دهد، به امکانی، تصادفی و موقتی بودن پدیده‌ها و گفتمان‌ها اشاره دارد (حسینی‌زاده، ۱۳۸۹، صص. ۲۴-۲۶).

۴. مفصل‌بندی^۴: مفصل‌بندی کنشی است که میان عناصر مختلف مانند مفاهیم، نمادها، اعمال و...، چنان رابطه‌ای ایجاد می‌کند که هویت اولیه آن‌ها دگرگون شده، هویتی جدید بیابند (تاجیک، ۱۳۸۳، ص. ۴۶). گذار از عنصرها به وقته‌ها هیچ‌گاه به‌طور کامل متحقق نمی‌شود (Laclau & Mouffe, 1985, p.110). گفتمان‌ها پیوسته در تلاش‌اند تا تفاوت‌های موجود را پنهان کنند و جامعه را یکدست نشان دهند. این کار، به‌وسیله ایجاد یک زنجیره هم‌ارزی انجام می‌شود. زنجیره هم‌ارزی بدین معناست که در فرایند مفصل‌بندی، نشانه‌های اصلی در یک زنجیره معنایی با نشانه‌های دیگر ترکیب می‌شوند و در مقابل یک غیر که به نظر می‌رسد آن‌ها را تهدید می‌کند، قرار می‌گیرند. محتوا از طریق تعدد و تقاضاهایی که یک رابطه هم‌ارزی میان آن تقاضاها (و دال‌های یک گفتمان) اتحاد ایجاد کرده است فراهم می‌گردد (Laclau & Mouffe, 2001, p.41).

۵. تحلیل تغییرات زمانی گفتمان بحران یا تثبیت هژمونی: یک منطق سیاسی مشخص و برآمده از کنش «مفصل‌بندی» است که طی آن یک نیروی اجتماعی ویژه (یک طبقه، گروه یا حزب سیاسی خاص) به بازنمایی یا تسخیر مقام «کل جامعه» نائل می‌شود و گفتمان

1. equivalence relation
2. hostility and otherness
3. hostility and otherness
4. articulation

نتیجه کردارهای هژمونیک مفصل‌بندی است (Torfing, 1999, p.102). هژمونیک شدن یک نشانه به این معناست که معنای آن در سطح وسیعی در افکار عمومی مورد پذیرش قرار گرفته است یا در واقع نوعی انسداد هر چند موقتی در معنای نشانه به وجود آمده است. در این حالت هژمونی حاصل می‌شود (سلطانی، ۱۳۸۴، ص. ۸۳).

۶. بازسازی نظم گفتمانی و قابلیت دسترسی و اعتبار! اگر جامعه در شرایط بی‌نظمی و بحران فراگیر قرار بگیرد، اینکه یک گفتمان خود را قادر به برقراری نظم جلوه دهد به پذیرش آن در افکار عمومی بسیار کمک می‌کند^۲ و «قابلیت اعتبار»^۳ یعنی سازگاری اصول پیشنهادی گفتمان با اصول بنیادین جامعه است. همواره در تمامی جوامع، اصول عامی وجود دارد که مورد پذیرش اکثریت است (حسینی‌زاده، ۱۳۸۹، ص. ۳۸). قابلیت دسترسی و اعتبار مفهوم قابلیت دسترسی برای بیان میزان موفقیت یک گفتمان به کار می‌رود. «به اعتقاد بابی سعید، امکان پیروزی یک گفتمان به علت ویژگی‌های ذاتی آن نیست، بلکه صرفاً به این دلیل است که گفتمان تنها ساخت منسجم در دنیای کاملاً آشفته به نظر می‌رسد». منظور از اعتبار نیز تأکید بر این نکته است که اصول اساسی یک گفتمان با اصول اساسی یک گروه اجتماعی ناسازگار نباشد (حقیقت، ۱۳۸۵، ص. ۵۱۵).

هدف	توضیح	مرحله
تعیین محور معنایی گفتمان	کشف نشانه‌هایی که سایر معناها حول آن سازمان یافته‌اند.	۱. شناسایی دال مرکزی
فهم مرزهای معنایی گفتمان	یافتن مفاهیمی که با دال مرکزی هم‌معنا یا متقابل‌اند.	۲. استخراج زنجیره‌های هم‌ارزی و تفاوت
موقتی بودن پدیده‌ها	خصومت و غیریت، بی‌قراری، تهدید گفتمان‌ها	۳. طرد و غیریت

1. accessibility, reliability
2. Laclau
3. credibility

مرحله	توضیح	هدف
۴. مفصل‌بندی	شناسایی گفتمان‌های رقیب یا حذف‌شده به‌وسیله گفتمان اصلی	درک سازوکار قدرت و طرد
۵. تحلیل تغییرات زمانی گفتمان	بررسی نحوه تحول معنای دال‌ها در گذر زمان	تشخیص بحران یا تثبیت هژمونی
۶. بازسازی نظم گفتمانی	ترکیب یافته‌ها در قالب ساختار گفتمانی جنبش گولن	استخراج مدل گفتمان نهایی

۵. مرحله اول شناسایی دال مرکزی و حوزه گفتمانی

در تحلیل گفتمان، «دال مرکزی» به‌مثابه عنصر کانونی عمل می‌کند که سایر دال‌ها و مفاهیم در نسبت با آن مفصل‌بندی شده و انسجام معنایی گفتمان را تضمین می‌کند. بررسی نظری و شواهد میدانی مرتبط با جنبش گولن نشان می‌دهد که واژه ترکی حِزْمَت^۱ واجد جایگاه دال مرکزی در این گفتمان است. این مفهوم که معمولاً به «خدمت» ترجمه می‌شود، ناظر بر کنشی ایثارگرانه و معطوف به خیر عمومی است (https://fgulen.com, 23 October 2024) و فراتر از تلقی‌های صرفاً دینی یا سیاسی معنا می‌یابد. خدمت در گفتمان گولن، اگرچه ریشه در ایمان دینی دارد، اما در عرصه کنش اجتماعی (https://fgulen.com, 23 January 2024) و در قالب فعالیت‌هایی همچون آموزش، امور خیریه و گفتگوی بین‌فرهنگی و بین‌دینی تجلی می‌یابد و به‌عنوان مسیری برای تقرب به خدای متعال تفسیر می‌شود.

گفتمان خدمت در جنبش گولن فاقد ساختار متمرکز رسمی، سازمان سلسله‌مراتبی سخت، تشریفات آیینی خاص یا نمادهای ظاهری متمایز است. مشارکت کنشگران این جنبش عمدتاً داوطلبانه و مبتنی بر مسئولیت اخلاقی و نه در چهارچوب کسب قدرت سیاسی یا منافع اقتصادی تعریف می‌شود (https://fgulen.com, 23 January 2024). در این چهارچوب، «خدمت به بشریت» به‌عنوان هسته هنجاری آموزه‌های گولن، با مفاهیمی نظیر کرامت انسانی، احترام متقابل، گفتگو، آموزش و علم پیوند می‌یابد. هدف اصلی این

1. Hizmet

گفتمان، پرورش کنشگران اجتماعی متعهدی است که از طریق کنش اخلاقی، عقلانی و مبتنی بر دانش، در فرایند اصلاح و بازسازی اجتماعی مشارکت کنند.

مفهوم خدمت در مقیاس فراملی نیز بسط یافته و در قالب شبکه‌ای از مدارس، مؤسسات آموزشی، مراکز فرهنگی و ابتکارات گفتگوی بین‌دینی در کشورهای مختلف نهادینه شده است. این الگوی کنش اجتماعی، تلفیقی از انسان‌گرایی اخلاقی و منابع معرفتی اسلامی را بازنمایی می‌کند. در متون بنیادین و مطالعات میدانی جنبش گولن، خدمت به منزله یک «نقشه فرهنگی مرکزی» عمل می‌کند که سایر مفاهیم محوری گفتمان، از جمله آموزش مدرن، اخلاق دینی، گفتگوی بین‌فرهنگی و فعالیت‌های خیرخواهانه، حول آن سامان می‌یابند. از این رو، کنش خدمت در این گفتمان با مشروعیت اجتماعی و تولید سرمایه اجتماعی برای پیروان جنبش پیوندی تنگاتنگ دارد (Fitzgerald, 2017, p.4).

از منظر فتح‌الله گولن، خدمت نه صرفاً یک الزام عبادی، بلکه راهبردی اجتماعی برای تحول و پیشرفت جامعه محسوب می‌شود (https://fgulen.com, 19 March 2015). وی با پیوند دادن تعهد مذهبی به مسئولیت اجتماعی، بر ضرورت تغییر اجتماعی از طریق خدمت داوطلبانه، سخاوتمندانه و اخلاق‌محور تأکید می‌کرد. گولن بر این باور بود که جوامع اسلامی باید جایگاه علمی و معرفتی خود را بازیابند و مسلمانان در تمامی حوزه‌ها، از علوم طبیعی و مهندسی تا هنر و فرهنگ، به پیشرفت دست یابند (https://gulenmovement.com, 31 March 2012). این منظومه فکری زمینه‌ساز گسترش قابل توجه مدارس و نهادهای آموزشی وابسته به جنبش گولن در ترکیه و سایر کشورها شد. وی در آثار و سخنرانی‌های خود، در چهارچوب گفتمان «خدمت»، بر ارزش‌های نوین اسلامی، اهمیت علم و آموزش و امکان تعامل سازنده میان دین و مدرنیته تأکید می‌ورزید (درشتی، ۱۳۹۵، ص. ۶۴).

در چهارچوب نظری لاکلاو و موف، دال مرکزی عنصری است که سایر دال‌ها در نسبت با آن معنا یافته و حذف یا تضعیف آن به فروپاشی انسجام گفتمانی می‌انجامد. در گفتمان جنبش گولن، مفهوم «خدمت» به‌طور مشخص واجد این کارکرد است؛ زیرا افزون بر حضور پرتکرار در آثار و گفتارهای گولن، نقش اصل تفسیرکننده سایر مفاهیم کلیدی را نیز ایفا می‌کند. برای مثال، «آموزش» در این گفتمان نه کنشی فنی یا ابزاری،

بلکه شکلی از «خدمت به انسان» تلقی می‌شود؛ «گفتگو» به‌مثابه خدمتی در جهت تقویت صلح و همزیستی اجتماعی بازتعریف می‌گردد و «اخلاق» در قالب خدمت به تزکیه فردی و اجتماعی معنا می‌یابد. این کارکرد تفسیری نشان می‌دهد که مفهوم خدمت، بنیان انسجام معنایی گفتمان جنبش گولن را تشکیل می‌دهد و بدون آن، پیوند مفهومی میان عناصر گفتمان دچار گسست می‌شود.

۶. مرحله دوم: زنجیره هم‌ارزی و زنجیره تفاوت‌ها

در تحلیل گفتمان، «زنجیره هم‌ارزی» به مجموعه‌ای از مفاهیم اطلاق می‌شود که با دال مرکزی هم‌ارز شناخته شده و معنایی مشترک پیدا می‌کنند، درحالی‌که «زنجیره تفاوت» به شاخص‌هایی اشاره دارد که گفتمان مورد نظر را از سایر گفتمان‌ها متمایز می‌سازند. در گفتمان جنبش گولن، دال مرکزی «خدمت» است و زنجیره هم‌ارزی آن شامل مفاهیمی نظیر اسلام اخلاقی، آموزش مدرن، گفتگوی بین‌فرهنگی، توسعه اجتماعی، نوع‌دوستی و زندگی برای دیگران می‌شود که همگی به‌عنوان پیش‌نیازهای تحقق خدمت به جامعه تعریف شده‌اند (https://fgulen.com, 22october 2013).

گفتمان جنبش گولن در طول چند دهه فعالیت خود دستخوش تحولات مداوم شده است. گسترش فعالیت‌ها در ترکیه، منطقه و عرصه بین‌الملل، نقش مهمی در بازسازی و توسعه این گفتمان ایفا کرده است. گولن نگران محدودیت دانش جوانان ترکیه از اسلام بود که ناشی از کمبود آموزش دینی در مدارس و کنترل دولت بر یادگیری دین بود. وی ترکیب آموزش، دین و اخلاق را زیربنای ساختن جامعه‌ای صالح می‌دانست و از دهه ۱۹۹۰ به بعد، این نگرش را به‌صورت عملی با تأسیس مدرسه خصوصی، مراکز آموزشی و خوابگاه‌ها در ترکیه پیاده کرد. برخی منابع رسمی گزارش می‌دهند که در آن دوره حدود ۱۵۰ مدرسه خصوصی و ۱۵۰ مرکز آموزشی جانبی در ترکیه فعال بوده‌اند (https://fgulen.com, 2 December 2009)؛ و در سال ۱۹۹۷، شمار مؤسسات آموزشی جنبش با هزاران دانش‌آموز در ترکیه و خارج از آن به حدود ۲۵۰ مورد رسیده بود (درشتی، ۱۳۹۵، ص. ۸۲).

گولن با اتکا به منابع اسلامی - قرآن، حدیث و زندگی صحابه - سعی کرد مفاهیم دینی را به شیوه‌ای معاصر و تلفیقی با دانش و اخلاق، به جوانان منتقل کند. هدف او از این «جنبش آموزشی» نه اسلام‌گرایی سیاسی، بلکه تربیت مسلمانانی هم‌زمان متعهد دینی و آشنا با علوم مدرن و جهان معاصر بود (https://fgulen.com, 22 October 2013). در این چهارچوب، آموزش سالم و اخلاقی وسیله‌ای برای ایجاد سرمایه اجتماعی و توسعه هم برای فرد مسلمان و هم برای جامعه تلقی می‌شد (https://fgulen.com, 2 December 2009).

از منظر تحلیل گفتمانی، دال «خدمت» نقش نقطه تکیه‌گاهی را ایفا می‌کند که امکان ایجاد زنجیره‌های هم‌ارزی و تمایز از گفتمان‌های رقیب را فراهم می‌سازد. زنجیره تفاوت جنبش گولن شامل شاخص‌هایی است که جهت تمایز از سایر گفتمان‌ها به کار می‌رود، مانند «ما نه صرفاً سیاسی هستیم» یا «ما خدمتیم نه قدرت‌طلب». در این گفتمان، مفاهیم آموزش، علم، گفتگو و اخلاق در برابر گفتمان‌های رقیب - مانند اسلام سیاسی حزبی، سکولاریسم دولتی یا قدرت‌طلبی - مفصل‌بندی شده و به‌عنوان اشکال متنوع «خدمت» تعریف می‌شوند. به این ترتیب، زنجیره هم‌ارزی و تفاوت جنبش گولن به صورت زیر قابل ترسیم است:

• **زنجیره هم‌ارزی:** خدمت ← آموزش ← علم ← گفتگو ← اخلاق اسلامی

• **زنجیره تفاوت:** تمایز از اسلام سیاسی حزبی، سکولاریسم دولتی، قدرت‌طلبی

گولن معتقد بود که اسلام و دموکراسی با یکدیگر تضاد ندارند و دین نباید با ایدئولوژی سیاسی یکسان‌سازی شود. او دموکراسی را فرایندی در حال تکامل می‌دانست (https://fgulen.com, 30 May 2006)؛ و بر لزوم لحاظ کردن بعد معنوی و اخلاقی انسان در آن تأکید می‌کرد. در فلسفه او، مردم‌سالاری دینی امکان‌پذیر است و اراده مردم می‌تواند در چهارچوب اصول اسلامی با حاکمیت مطلق خداوند همخوانی داشته باشد (https://fgulen.com, 30 March 2015). یکی از اصول کلیدی در آموزه‌های گولن، مفهوم شورا و مشورت در تصمیم‌گیری است (https://fgulen.com, 25 January 2009). به‌نحوی که شهروندان هم در تصمیم‌گیری مشارکت داشته و نظرشان شنیده شود و حقوق اقلیت نیز رعایت گردد (https://fgulen.com, 25 March 2015).

او اسلام را با ارزش‌هایی چون عدالت، برابری، حرمت زندگی، حق مالکیت، آزادی عقیده و آزادی بیان سازگار می‌دانست. بر رد افراط‌گرایی و خشونت دینی تأکید داشت و اسلام را دعوتی به «تمدن اخلاقی» و «مسئولیت‌پذیری فردی» می‌دانست، نه ابزاری برای حکومت اجباری یا سرکوبگرانه. او معتقد بود که هنگامی که دین به ابزار قدرت سیاسی تبدیل شود، هم دین آسیب می‌بیند و هم سیاست معنای اخلاقی خود را از دست می‌دهد. (<https://fgulen.com>, 21 November 2007).

گولن بر ضرورت یادگیری از تجربه دموکراسی‌های غربی و «اسلامی‌سازی» آن‌ها تأکید داشت، به طوری که اصول اخلاقی اسلامی در ساختار دموکراسی لحاظ شود. او اهمیت گفتگوی تمدن‌ها و همزیستی مسالمت‌آمیز را یادآور می‌شد و تلاش داشت دموکراسی را در بستر اخلاقی و معنوی توسعه دهد. این نهادها، همراه با شبکه‌های اقتصادی و اجتماعی، نشان‌دهنده تلاش جنبش برای تلفیق ارزش‌های دینی با مدرنیته هستند و به شکل‌گیری قدرت نرم جهانی جنبش کمک می‌کنند (<https://fgulen.com>, 25 January 2009). هدف اصلی جنبش گولن در حوزه آموزش، ایجاد شبکه‌ای از مدارس و مؤسسات آموزشی با کیفیت بالا در ترکیه و سطح بین‌الملل است که دانش‌آموزان را در علوم پایه، زبان‌های خارجی و فرهنگ مدرن پرورش می‌دهند (درشتی، ۱۳۹۵، ص. ۸۲).

زنجیره هم‌ارزی زمانی شکل می‌گیرد که دال‌های متفاوت، در تقابل با «دیگری» مشترک، معنای هم‌سنگ پیدا کنند. در دوره هژمونی نسبی جنبش گولن، مفاهیمی نظیر آموزش، اخلاق، مدارا، گفتگوی بین‌ادیانی، جامعه مدنی و توسعه انسانی در یک زنجیره هم‌ارز قرار گرفتند؛ زیرا همگی در برابر دال‌های رقیب مانند سیاست‌زدگی دینی، خشونت ایدئولوژیک و تمرکزگرایی دولت مفصل‌بندی می‌شدند. این هم‌ارزی، در سطح مصداقی، در گسترش شبکه مدارس، مؤسسات فرهنگی و رسانه‌ای جنبش بازتاب یافت؛ نهادهایی که اگرچه از نظر کارکرد اجتماعی متفاوت بودند، اما همگی در گفتمان جنبش به‌عنوان شکل‌های متنوع «خدمت» معرفی شدند و از این منظر، زنجیره هم‌ارزی سازوکاری عملی برای گسترش نفوذ اجتماعی جنبش بود (نظری و سلیمی، ۱۳۸۶، ص. ۸۰).

۷. مرحله سوم: «طرد» و «غیریت‌سازی» در تحول گفتمان جنبش گولن

در چهارچوب نظری لاکلاو و موف، هژمونی گفتمانی نه از طریق اجماع کامل، بلکه از رهگذر طرد و غیریت‌سازی شکل می‌گیرد. هر گفتمان برای تثبیت معنا و ایجاد انسجام درونی، ناگزیر است مرزهایی نمادین ترسیم کند که در آن، «ما» در تقابل با «دیگری» تعریف می‌شود. از این منظر، طرد نه یک پدیده حاشیه‌ای، بلکه شرط امکان شکل‌گیری هویت گفتمانی است. در گفتمان اولیه جنبش گولن، طرد و غیریت‌سازی به صورت حداقلی و نرم اعمال می‌شد. این گفتمان، با مفصل‌بندی دال مرکزی «خدمت» در زنجیره‌ای از دال‌های هم‌ارز مانند آموزش، اخلاق، گفتگو و تساهل، کوشید خود را در تقابل مستقیم با «دیگری سیاسی» تعریف نکند. در این مرحله، غیریت‌سازی بیشتر معطوف به الگوهای افراطی اسلام‌گرایی سیاسی و سکولاریسم سخت‌گیر دولتی بود، بی‌آنکه منجر به منازعه آشکار هژمونیک شود. همین الگوی طرد حداقلی، امکان دستیابی به هژمونی نسبی در جامعه مدنی را برای جنبش فراهم ساخت. با تشدید رقابت‌های قدرت و تغییر آرایش گفتمانی در نظم سیاسی ترکیه، منطلق طرد دچار دگرگونی بنیادین شد. در این مرحله، گفتمان مسلط دولتی با بازتعریف جنبش گولن به‌مثابه «دیگری تهدیدآمیز»، فرایند غیریت‌سازی رادیکال را فعال کرد. در نتیجه، دال مرکزی «خدمت» از یک دال مشروعیت‌بخش اجتماعی به یک دال مناقشه‌برانگیز تبدیل شد و در زنجیره‌ای جدید از دال‌های منفی مفصل‌بندی گردید. این طرد گفتمانی، صرفاً حذف یک بازیگر سیاسی نبود، بلکه تلاشی برای فروپاشی هویت گفتمانی جنبش و سلب امکان بازتولید معنا از آن محسوب می‌شد.

از منظر لاکلاو و موف، چنین وضعیتی نشانه بروز بحران هژمونیک است؛ وضعیتی که در آن، دال‌های شناور تثبیت پیشین خود را از دست می‌دهند و میدان گفتمان دچار بی‌قراری می‌شود. در این شرایط، جنبش گولن با نوعی طرد مضاعف مواجه شد: از یک سو طرد از نظم سیاسی رسمی و از سوی دیگر تضعیف پیوندهای هم‌ارزی درون گفتمانی. پیامد این وضعیت، گسست در انسجام هویتی و ضرورت بازاندیشی در مفصل‌بندی‌های پیشین بود. در مرحله پسینی، به‌ویژه در فضای دیاسپورا، تلاش‌هایی برای بازسازی گفتمان از طریق بازتعریف طرد و غیریت‌سازی مشاهده می‌شود. در این بازسازی، «دیگری» نه دولت خاص،

بلکه مفاهیمی چون اقتدارگرایی، سرکوب و نقض حقوق بشر معرفی می‌شود و گفتمان جنبش می‌کوشد با ایجاد زنجیره‌های هم‌ارزی جدید، بار دیگر امکان هژمونیک شدن را - هرچند در مقیاسی محدودتر و فراملی - احیا کند. این امر نشان می‌دهد که طرد و غیریت‌سازی نه تنها عامل فروپاشی، بلکه می‌تواند ابزار بازتولید و بازآرایی گفتمانی نیز باشد. برجسته‌سازی مفهوم طرد و غیریت‌سازی نشان می‌دهد که تحول گفتمان جنبش گولن را نمی‌توان صرفاً نتیجه فشار سیاسی یا تصمیمات راهبردی دانست؛ بلکه این تحول، محصول منازعه هژمونیک بر سر معنا، مشروعیت و هویت است. از این منظر، طرد گفتمانی نقش کلیدی در گذار جنبش از هژمونی نسبی به بحران و سپس تلاش برای بازسازی گفتمان ایفا می‌کند و فهم آن، برای تحلیل سرنوشت جنبش‌های دینی - مدنی معاصر ضروری است

۸. مرحله چهارم: مفصل‌بندی

در نظریه گفتمان لاکلاو و موف، مفصل‌بندی به فرایندی اطلاق می‌شود که در آن عناصر زبانی و معنایی مختلف در یک کل منسجم پیوند می‌خورند و گفتمان را شکل می‌دهند (Lakoff & Johnson, 1985, p. 105). براین اساس، جنبش گولن با پیوند دادن مفاهیم دینی، مدرن و اخلاقی، نوعی نظم گفتمانی نو در میان مسلمانان ترکیه ایجاد کرده است که می‌توان آن را «اسلام خدمت‌محور» نامید (Kocak, 2013, p. 92). گفتمان گولن از طریق مفصل‌بندی سه حوزه معنایی اصلی ساختاری منسجم می‌سازد: دین و اخلاق، مدرنیته و علم^۱ و خدمت اجتماعی و آموزش^۲.

گفتمان جنبش گولن، اسلام، مدرنیته و علم را از طریق مفهوم حزمت مفصل‌بندی می‌کند و سنتزی می‌آفریند که هم ناسیونالیسم سکولار و هم اسلام‌گرایی سیاسی را به چالش می‌کشد. در این چهارچوب، «خدمت» فراتر از فعالیت خیریه یا موقت است و

1. islamic ethics
2. modern science
3. social service & education

به معنای تلاشی آگاهانه، داوطلبانه و مستمر برای بهبود فرد و جامعه مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و انسانی است (Tee, 2021, p.90). خدمت در گفتمان گولن سبک زندگی، اخلاق روزمره و رفتار اجتماعی را در برمی‌گیرد و با تقوا، خودسازی، رشد معنوی و پیشرفت مادی و اجتماعی پیوند دارد (نظری و سلیمی، ۱۳۹۶، ص. ۱۷۰). به عبارت دیگر، خدمت تجلی «اسلام فعال و انسانی» (Rumi Forum, 2008, November 14) است؛ اسلام نه صرفاً فردی یا عبادی، بلکه در زندگی روزمره و در تعامل با جامعه. زمینه‌های تاریخی و فرهنگی شکل‌گیری گفتمان گولن در بافت ناامن آناتولی، فروپاشی عثمانی و تجربه‌های دوران جنگ سرد ریشه دارد. سیاست‌های کمونیستی و دولت‌محورانه نوردی، زمینه تقویت گرایش‌های مشابه در گولن را فراهم کرد؛ او بنیاد ترکیه را برای مقابله با کمونیسم تأسیس نمود (Yavuz & Esposito, 2003, p.22). جنبش گولن در یک بافت جهانی متغیر شکل گرفت. جنگ سرد و تقسیمات ایدئولوژیک، جهانی شدن، توسعه شبکه‌های ارتباطی و فشارها و فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی جهانی، زمینه فعالیت غیرسیاسی او را فراهم ساخت. در این شرایط، دال مرکزی گفتمان او یعنی «خدمت و آموزش»، به جای سیاست‌ورزی مستقیم، در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی گسترش یافت و آموزه‌های دینی در چهارچوب اسلام مدنی، گفتگوی بین‌فرهنگی و مشارکت اجتماعی بازتعریف شد (Aras, 2017, p. 112; Yavuz, 2009, p.78).

گولن بر این باور است که دولت باید در خدمت مردم باشد و هدف آن خلق جامعه‌ای سالم و اخلاقی است، نه تصاحب قدرت سیاسی (https://fgulen.com, 18 August 2019). دین هدایتگر اخلاق و معنویت جامعه و نه ابزار حکومت است. دولت باید محیط امن و فرصت رشد اخلاقی و معنوی فراهم کند و فعالیت‌های اجتماعی و مدنی باید در چهارچوب قانون و نظم اجتماعی انجام شود. آموزش و پرورش، مدارس و مؤسسات خیریه ابزار اصلی ارتقای جامعه‌اند و هدف، تربیت «نسل طلایی» (https://fgulen.com, 22 October 2013). با اخلاق و دانش است که بتواند جامعه را بدون دخالت مستقیم قدرت سیاسی بهبود دهد (Aras, 2017, p. 115). دموکراسی از نظر گولن، تنها محدود به ساختار سیاسی یا انتخابات نیست؛ بلکه رعایت حقوق بشر، آزادی‌های دینی و بیان و عدالت اجتماعی اهمیت دارد. دموکراسی باید اخلاقی، مسئولانه و متکی بر شهروندان آگاه باشد (https://fgulen com, 19 August 2019).

جامعه مدنی، انجمن‌ها، مدارس و فعالیت‌های داوطلبانه ستون‌های دموکراسی واقعی هستند و دین می‌تواند حامی عدالت اجتماعی و دموکراسی اخلاقی باشد، اما نباید ابزار قدرت شود (https://fgulen.com, 22 October 2013). گولن خشونت افراطی اسلام‌گرایان را محکوم می‌کند و آن را در تضاد با آموزه‌های اسلامی می‌داند (نظری و سلیمی، ۱۳۹۶، ص. ۱۷۰).

بر اساس نظریه لا کلاو و موف، هر گفتمان برای تثبیت خود ناگزیر است نیروها و معنایی که انسجام آن را تهدید می‌کنند طرد کند (Laclau & Mouffe, 1985, p.130). در گفتمان گولن، این فرایند شامل اسلام‌گرایی حزبی، سکولاریسم کمالیستی و پس از ۲۰۱۳، دولت ترکیه (FETÖ) است. هم‌زمان، منطق تفاوت امکان جذب عناصر متکثر بدون فروپاشی گفتمان را فراهم می‌کند. پذیرش تفاوت‌های فرهنگی، مذهبی و ایدئولوژیک، گفتگو با ادیان دیگر و فعالیت در جوامع غیر اسلامی نمونه‌ای از این است. بدین ترتیب، تفاوت‌ها در چهارچوب دال مرکزی «خدمت» مدیریت شده و از رادیکال‌شدن گفتمان جلوگیری کرده است (Yavuz, 2013, p. 13).

۹. مرحله پنجم: تحلیل تغییرات زمانی گفتمان بحران یا تثبیت هژمونی

در نظریه لا کلاو و موف، هر گفتمان در طول زمان دچار تغییرات زمانی می‌شود که می‌تواند شامل تثبیت نسبی (هژمونی) یا بحران و فروپاشی گفتمان باشد (Laclau & Mouffe, 1985, p.115). تحلیل تغییرات زمانی نشان می‌دهد که چگونه دال‌های مرکزی و زنجیره‌های هم‌ارزی با موقعیت‌های سیاسی و اجتماعی تعامل می‌کنند و هژمونی موقت یا شکست گفتمان را رقم می‌زنند. برای جنبش گولن، روند تغییرات گفتمانی را می‌توان به سه مرحله اصلی تقسیم کرد.

۱. **مرحله شکل‌گیری اولیه (۲۰۰۰-۱۹۸۰):** در این مرحله، دال مرکزی «خدمت» حول فعالیت‌های آموزشی و اخلاقی شکل گرفت و به تدریج زنجیره هم‌ارزی «آموزش، علم، گفتگو، اخلاق» تثبیت شد.

۲. **مرحله هژمونی نسبی (۲۰۱۳-۲۰۰۰):** در این دوره، گفتمان خدمت توانست نفوذ اجتماعی و بین‌المللی پیدا کند. مدارس، مؤسسات خیریه، رسانه‌ها و شبکه‌های گفتگو، به‌مثابه ابزارهای تثبیت هژمونی عمل کردند. تا اواسط دهه ۲۰۰۰، جنبش گولن به یک

بازیگر اجتماعی غالب تبدیل شده بود و خدمت به عنوان دال اصلی، کنش‌های متنوع را سازمان‌دهی و حمایت‌نخبگان را جذب می‌کرد.

۳. **مرحله بحران و طرد (۲۰۱۳ به بعد):** با گذر زمان، روابط جنبش گولن و دولت ترکیه تحت رهبری رجب طیب اردوغان دچار تنش‌های جدی شد. در ابتدا، روابط میان گولن و اردوغان دوستانه بود و هر دو طرف از حمایت یکدیگر بهره می‌بردند؛ اما از حدود سال ۲۰۱۰ به بعد، این روابط به‌طور فزاینده‌ای رو به تنش رفت، به‌طوری‌که اردوغان و دولت ترکیه جنبش گولن را متهم به تلاش برای سرنگونی حکومت و دخالت در سیاست‌های کشور کردند. در سال ۲۰۱۶، پس از وقوع کودتای نظامی ترکیه، اردوغان جنبش گولن را به‌عنوان عامل اصلی کودتا معرفی کرد و پیروان گولن را به‌طور گسترده‌ای مورد تعقیب و سرکوب قرار داد. این اتهام‌ها به‌شدت موجب شد که جنبش گولن به یک موضوع بحث‌برانگیز و جنجالی در سیاست ترکیه تبدیل شود. گولن هرگونه دست داشتن در کودتا را رد کرد و این موضوع به بحران میان طرفداران جنبش و دولت ترکیه دامن زد. گولن متهم شده بود که جنبشی را سازمان‌دهی کرده تا حکومت سکولار ترکیه را که مصطفی کمال آتاتورک در سال ۱۹۲۳ پایه‌گذاری کرده و تبدیل به جمهوری شده بود تغییر دهد و آن را به حکومتی دین‌سالار تبدیل کند (درشتی، ۱۳۹۵، ص. ۳۱). بحران اصلی پس از سال ۲۰۱۳ اتفاق افتاد، زمانی که دولت ترکیه جنبش گولن را به‌عنوان «سازمان تروریستی فتو (FETÖ)» معرفی کرد و گفتمان خدمت را طرد کرد. در این مرحله، دال «خدمت» به‌وسیله گفتمان دولت بازتعریف شد و به دال «خیانت» تبدیل شد (Yavuz, 2013, p. 240). این بازتعریف، نمونه بارز شکست هژمونی گفتمان و ظهور بحران گفتمانی است (Laclau & Mouffe, 1985, p. 115). تحلیل تغییرات زمانی نشان می‌دهد که گفتمان جنبش گولن در آغاز شکل‌گیری، تثبیت نسبی هژمونیک پیدا کرد، اما مواجهه با نیروهای طردشده و تغییر معنای دال مرکزی (خدمت - خیانت) باعث فروپاشی نسبی گفتمان شد. این روند دقیقاً با منطق لاکلاو و موف درباره هژمونی موقت و بحران گفتمان مطابقت دارد. جنبش گولن بین حرکت اجتماعی، دینی و سیاسی میانجی است و تغییرات نهادی و ساختاری را تجربه کرده است؛ بنابراین دال مرکزی «خدمت» در مرحله بحران به دال «خدمت = خیانت / تهدید» تبدیل شد (Fitzgerald, 2017).

با گذر زمان، روابط جنبش گولن و دولت ترکیه تحت رهبری رجب طیب اردوغان دچار تنش‌های جدی شد. در ابتدا، روابط میان گولن و اردوغان دوستانه بود و هر دو طرف از حمایت یکدیگر بهره می‌بردند؛ اما از حدود سال ۲۰۱۰ به بعد، این روابط به‌طور فزاینده‌ای رو به تنش رفت، به‌طوری‌که اردوغان و دولت ترکیه جنبش گولن را متهم به تلاش برای سرنگونی حکومت و دخالت در سیاست‌های کشور کردند. در سال ۲۰۱۶، پس از وقوع کودتای نظامی ترکیه، اردوغان جنبش گولن را به‌عنوان عامل اصلی کودتا معرفی کرد و پیروان گولن را به‌طور گسترده‌ای مورد تعقیب و سرکوب قرار داد. این اتهام‌ها به شدت موجب شد که جنبش گولن به یک موضوع بحث‌برانگیز و جنجالی در سیاست ترکیه تبدیل شود. گولن هرگونه دست داشتن در کودتا را رد کرد و این موضوع به بحران میان طرفداران جنبش و دولت ترکیه دامن زد. گولن متهم شده بود که جنبشی را سازمان‌دهی کرده تا حکومت سکولار ترکیه را که مصطفی کمال آتاتورک در سال ۱۹۲۳ پایه‌گذاری کرده و تبدیل به جمهوری شده بود تغییر دهد و آن را به حکومتی دین سالار تبدیل کند (درشتی، ۱۳۹۵، ص. ۳۱).

در نظریه لاکلاو و موف، دال‌های شناور مفاهیمی هستند که در شرایط بحران هژمونیک، معنای تثبیت شده خود را از دست می‌دهند. پس از ۲۰۱۶، مفاهیمی مانند «خدمت»، «مدرسه» و حتی «شبکه اجتماعی» در گفتمان رسمی دولت ترکیه به دال‌هایی شناور تبدیل شدند که معنای آن‌ها میان دو گفتمان رقیب در نوسان بود. به‌عنوان مثال، «مدرسه» که پیش‌تر نماد آموزش اخلاق‌محور تلقی می‌شد، در گفتمان رقیب به نشانه نفوذ و تهدید امنیتی بازتعریف شد. این تغییر معنایی نشان می‌دهد که بحران جنبش، نه صرفاً نهادی یا سیاسی، بلکه بحرانی گفتمانی بر سر تصاحب معنا بوده است.

۱۰. مرحله ششم: بازسازی نظم گفتمانی و قابلیت دسترسی و اعتبار

طبق نظریه لاکلاو و موف، هر گفتمان زمانی پایدار می‌شود که عناصر پراکنده و دال‌های مختلف را حول یک دال مرکزی مفصل‌بندی کند و نظم گفتمانی منسجمی ایجاد کند. این فرایند را می‌توان بازسازی نظم گفتمانی نامید (Laclau & Mouffe, 1985, p.120). بعد از کودتای نافرجام سال ۲۰۱۶ در ترکیه، جنبش گولن به شدت تحت فشار حکومت قرار

گرفت و موقعیت آن در داخل ترکیه دچار بحرانی عمیق شد. این بحران باعث شد جنبش نتواند همان هژمونی (رهبری گفتمانی) خود را در فضای داخلی ترکیه حفظ کند و به تدریج موقعیت اصلی خود را به سطح دیاسپورا (مهاجران، شعب بین‌المللی، خارج از ترکیه) منتقل کند. در این فرایند، جنبش مجبور شد به بازتعریف هویت، ساختار و مأموریت خود پردازد تا در محیط جدید (اروپا، آمریکا و دیگر کشورها) دوام یابد. از منظر نظریه گفتمان، این وضعیت به معنای فروپاشی نسبی هژمونی گفتمان داخلی کشور و سپس «مفصل‌بندی مجدد» در بستر دیاسپورا است؛ یعنی گفتمان دیگر عمدتاً معطوف به فضای داخلی ترکیه نیست، بلکه در یک فضای مهاجرتی/خارجی بازتعریف می‌شود. رابطه خود با دولت رو به نابودی چشمگیر قرار داد، مرکز ثقل از ترکیه به اروپا-آمریکا منتقل شد، فرهنگ جامعه پنهان‌کاری در تبعید به میزان قابل توجهی در هم شکست، شاخه‌های حزب در اروپای غربی و ایالات متحده با آزادی نسبی اجتماع و بیان تغییر شکل دادند، این درخواست‌ها برای شفافیت، پاسخگویی تنها پس از کودتای نافرجام، زمانی که مرکز ثقل حزب از ترکیه به اروپا-آمریکا منتقل شد، بلندتر شد (https:// Springer, 25 August 2025) این دیاسپورا در جنبش گولن در اروپا و آمریکا باید خود را با مقررات محلی، حقوقی، محیط جدید وفق دهد، فرهنگی از بازتعریف گفتمان در زمینه بین‌المللی بازنمایی سازد (Giga Hamburg, May 2019). طرد گفتمانی جنبش گولن از نظم سیاسی ترکیه، مصداق روشن غیریت‌سازی رادیکال در چهارچوب لاکلاو و موف است. در این فرایند، جنبش از یک کنشگر مشروع جامعه مدنی به «دیگری تهدیدآمیز» بازنمایی شد. این غیریت‌سازی، زنجیره هم‌ارزی پیشین جنبش را از هم گسست و امکان بازتولید دال مرکزی «خدمت» را در فضای داخلی ترکیه محدود کرد. در نتیجه، جنبش ناگزیر به بازسازی گفتمان خود در فضای دیاسپورا شد؛ جایی که تلاش شد زنجیره‌های هم‌ارزی جدیدی حول مفاهیمی چون حقوق بشر، آزادی‌های مدنی و عدالت شکل گیرد.

۱۱. اتهامات سیاسی، ارتباط با نهادهای قدرت

اگرچه در بسیاری از پژوهش‌ها جنبش گولن به‌عنوان الگویی از «اسلام مدنی» و شبکه‌ای آموزشی-خیرخواهانه معرفی شده است، نگاه انتقادی نیز بخش مهمی از فهم دقیق این

جنبش را تشکیل می‌دهد؛ زیرا گفتمان و عمل‌ورزی گولن در بستر مناسبات قدرت سیاسی ترکیه با چالش‌های جدی مواجه بوده است. از منظر سیاسی، دولت ترکیه جنبش گولن را نه صرفاً یک نهاد اجتماعی- فرهنگی، بلکه یک بازیگر با نفوذ در نهادهای حکومتی تلقی کرده است. به گزارش دویچه‌وله، کارشناسان ترکیه معتقدند که جنبش گولن در ساختارهای اداری، نظامی، قضایی و رسانه‌ای نفوذ داشته و حتی این نفوذ از سوی برخی ناظران به‌عنوان «تلاش برای کسب قدرت و تغییر ساختار سکولار ترکیه» تعبیر شده است (https://dw, 16 August 2016). در نقد دیگر، رسانه‌های بین‌المللی گزارش داده‌اند که اتهامات دولت ترکیه درباره نقش جنبش گولن در کودتای ۲۰۱۶ و تلاش برای سرنگونی حکومت، به سرکوب گسترده پیروان جنبش و تعطیلی مدارس و مؤسسات مرتبط انجامیده است؛ اتهاماتی که گولن و هوادارانش آن‌ها را سیاسی و ابزار سرکوب مخالفان دانسته‌اند (https://Ap News, 22 October 2024).

تحقیقات مستقل نیز نشان می‌دهند که ادعای «نفوذ در قوه قضاییه» و استفاده از این نفوذ برای اعمال فشار بر قضات و دادستان‌ها در ترکیه، یکی از محورهای اصلی نقد علیه جنبش بوده است؛ به‌ویژه زمانی که دولت اقدامات قضایی را علیه افراد منتسب به گولنیسم به‌عنوان ابزار فشار سیاسی به کار گرفت (https:// Turkish Minute, 28 November 2024). همچنین برخی منتقدان جنبش گولن را به تلاش برای ایجاد شبکه‌ای موازی در داخل ساختارهای قدرت متهم کرده‌اند، به‌گونه‌ای که این شبکه از طریق جذب هواداران در پست‌های حساس، در عمل در ساختارهای سیاسی کشور نفوذ می‌کرده است. بر اساس گزارش‌های تحلیلی، این رفتار در فضای سیاسی ترکیه منجر به تردیدهایی درباره استقلال سیاسی و معناداری نهادهای رسمی شده است؛ نقدی که نشان می‌دهد جنبش نمی‌تواند صرفاً یک بازیگر غیرسیاسی باقی بماند (https:// Middle East Monitor, 29 March 2014). این نقدها، گرچه از منظر دولت ترکیه و بخشی از پژوهشگران مطرح شده‌اند، نباید به‌صورت تقلیل‌یافته یا یک‌جانبه پذیرفته شوند، بلکه می‌توان آن‌ها را بخشی از منازعه گفتمانی بر سر معنا و مشروعیت در ترکیه دانست. در چهارچوب نظری لاکلاو و موف، غیریت‌سازی که در دولت ترکیه علیه جنبش رخ داده، نشان می‌دهد که چگونه یک‌صدا یا گفتمان معین می‌تواند به «تهدید» تبدیل شود و از عرصه مشروع خارج گردد. همین تنش گفتمانی است

که باعث شد دال مرکزی «خدمت» در گفتمان جنبش گولن پس از ۲۰۱۶ دچار بحران معنا و بازتعریف منفی شود و به نقطه‌ای از اختلاف‌های هژمونیک بدل گردد.

نتیجه‌گیری

تحلیل گفتمان جنبش گولن با استفاده از چهارچوب نظری لاکلاو و موف، نشان می‌دهد که این جنبش توانسته است با استقرار یک دال مرکزی معنایی، یعنی «خدمت»، شبکه‌ای پیچیده از مفاهیم و ارزش‌ها را حول محورهای اخلاقی، آموزشی و اجتماعی سامان دهد. دال «خدمت» نه تنها به‌عنوان محور هویت گفتمانی عمل می‌کند، بلکه امکان تلفیق آموزه‌های دینی با ارزش‌های مدرن و الزامات اجتماعی را فراهم ساخته است. این ویژگی، جنبش گولن را از جریان‌های ایدئولوژیک بسته و جریان‌های صرفاً سیاسی متمایز می‌کند و نشان می‌دهد که هژمونی معنایی موفق، علاوه بر انسجام داخلی، نیازمند ظرفیت مدیریت تفاوت‌ها و تنوع اجتماعی است.

تحلیل زنجیره‌های هم‌ارزی و تفاوت در گفتمان جنبش، نشان می‌دهد که این جنبش توانسته است مفاهیم کلیدی مانند آموزش، اخلاق، گفتگو، توسعه اجتماعی و علم را به‌گونه‌ای در کنار دال مرکزی «خدمت» قرار دهد که هم‌زمان موجب تقویت انسجام داخلی و بازتولید مشروعیت در عرصه عمومی شده است. هم‌ارزی این مفاهیم باعث ایجاد یک هویت مثبت و پذیرفته‌شده شد، درحالی‌که زنجیره تفاوت، مرزهای معنایی و تفکیک از رقبای گفتمانی را تثبیت نمود. به‌عبارت‌دیگر، موفقیت گفتمان جنبش گولن در ایجاد یک نظام معنایی پویا، متکی بر توانایی آن در مدیریت هم‌زمان اتحاد و تفاوت است.

تحولات زمانی گفتمان جنبش نیز بیانگر انعطاف‌پذیری و سازگاری آن با تغییرات اجتماعی و سیاسی است. دوره‌های شکل‌گیری اولیه، گسترش هژمونی نسبی و مواجهه با بحران‌های سیاسی، هر یک فرصت‌هایی برای بازتعریف و بازآرایی معنایی فراهم کردند. به‌ویژه بحران سال ۲۰۱۳، نشان داد که طرد گفتمانی و تحولات سیاسی می‌توانند نقطه عطفی برای بازتولید و بازآرایی معنا باشند؛ به‌طوری‌که گفتمان جنبش با بازسازی زنجیره‌های هم‌ارزی و تعریف دشمن جدید، توانست هژمونی خود را در قالبی متفاوت و در سطح

فراملی حفظ کند. این فرایند، نمونه‌ای عملی از نظریه لاکلاو و موف درباره چگونگی بازتولید هژمونی در مواجهه با فشارهای خارجی و داخلی است.

یکی از ابعاد نوآورانه این تحلیل، بررسی مفصل‌بندی گفتمان و ظرفیت آن در تلفیق آموزه‌های دینی با ارزش‌های مدرن است. گفتمان جنبش گولن با ایجاد پیوند میان خدمت اجتماعی، آموزش، اخلاق و علم، توانسته است یک نظام معنایی انعطاف‌پذیر و درعین‌حال منسجم ایجاد کند که قابلیت بازتولید در شرایط متغیر را دارد. این ویژگی، اهمیت مفصل‌بندی را در شکل‌دهی به گفتمان‌های موفق نشان می‌دهد و به‌طور ضمنی بیان می‌کند که انسجام معنایی و قابلیت تغییرپذیری در کنار هم شرط لازم برای بقای هژمونی گفتمانی هستند.

در سطح جهانی، تحلیل نشان داد که گفتمان جنبش بافت بین‌المللی و تحولات جهانی مانند جهانی‌شدن، توسعه شبکه‌های آموزشی و ارتباطی و فشارهای اقتصادی و اجتماعی را به فرصت‌هایی برای بازتولید مشروعیت و گسترش نفوذ تبدیل کرده است. توانایی گفتمان در تعامل با محیط جهانی، نه تنها به تثبیت هویت و انسجام داخلی کمک کرده، بلکه امکان گسترش نفوذ اجتماعی، فرهنگی و آموزشی را در سطح جهانی فراهم ساخته است. این قابلیت تطبیق، بیانگر ظرفیت‌های جنبش برای ترکیب آموزه‌های دینی با الزامات جهان معاصر و فراهم‌آوری یک الگوریتم معنایی برای مقابله با چالش‌های بین‌المللی است.

در پایان، می‌توان گفت که جنبش گولن، نمونه‌ای برجسته از چگونگی تعامل بین دال‌های مرکزی، زنجیره‌های هم‌ارزی و تفاوت، مفصل‌بندی و تغییرات زمانی و مکانی در یک گفتمان موفق است. این تحلیل نشان می‌دهد که مطالعه جنبش‌های دینی - مدنی بدون توجه به سازوکارهای گفتمانی، بازتولید معنا و تعامل با محیط اجتماعی - سیاسی، ناقص خواهد بود. نظریه لاکلاو و موف، با ارائه چهارچوبی برای درک این فرایندها، امکان تحلیل دقیق و بدیع هژمونی معنایی و سازوکارهای مشروعیت‌بخشی را فراهم می‌آورد. به‌طور خلاصه، گفتمان جنبش گولن نشان می‌دهد که موفقیت یک جنبش دینی - مدنی، محصول توانایی آن در ایجاد انسجام درونی، مدیریت تفاوت‌ها، انعطاف‌پذیری در مواجهه با بحران‌ها و تعامل هوشمندانه با محیط جهانی است.

محدودیت‌های تحقیق

۱. محدودیت منابع و دسترسی به داده‌ها: یکی از اصلی‌ترین محدودیت‌های این تحقیق، دسترسی محدود به منابع داخلی و اسناد رسمی مرتبط با جنبش گولن بود. بسیاری از اطلاعات موجود در رسانه‌ها و منابع ثانویه ارائه شده‌اند که ممکن است با جهت‌گیری‌های خاص همراه باشند و تحلیل را به‌نوعی محدود کنند.
۲. تمرکز بر تحلیل گفتمان: این پژوهش عمدتاً بر تحلیل گفتمان مبتنی است و از روش‌های میدانی مانند مصاحبه‌های عمیق یا مطالعات موردی گسترده کمتر بهره گرفته است. در نتیجه، تفسیر برخی از رفتارها و رویکردهای عملی جنبش ممکن است به‌صورت کامل منعکس نشده باشد.
۳. محدودیت زمانی و مکانی: تحلیل گفتمان در این تحقیق عمدتاً بر دوره زمانی خاص و برخی کشورها و مناطق تمرکز داشته است؛ بنابراین نتیجه‌گیری‌ها ممکن است به‌طور کامل قابل تعمیم به همه مناطق و دوره‌های زمانی نباشد.
۴. محدودیت زبانی و ترجمه: بسیاری از منابع اصلی جنبش به زبان ترکی و انگلیسی بوده و استفاده از ترجمه‌ها ممکن است باعث فقدان دقت معنایی در برخی مفاهیم کلیدی شده باشد.

پیشنادهایی برای پژوهش‌های آتی

۱. تحقیقات میدانی گسترده: پژوهش‌های آینده می‌توانند با انجام مصاحبه‌های عمیق با اعضای جنبش، کارشناسان و جامعه محلی، داده‌های غنی‌تری جمع‌آوری کنند تا تحلیل گفتمان با واقعیت‌های عملی و تجارب فردی تقویت شود.
۲. مطالعه تطبیقی با سایر جنبش‌ها: بررسی گفتمان جنبش گولن در مقایسه با دیگر جنبش‌های دینی-مدنی در سطح ملی و بین‌المللی می‌تواند به شناسایی عوامل مشترک موفقیت یا شکست هژمونی معنایی کمک کند.
۳. تحلیل تأثیرات اجتماعی و اقتصادی: پژوهش‌های آینده می‌توانند بر پیامدهای اجتماعی، آموزشی و اقتصادی فعالیت‌های جنبش تمرکز کنند تا اثرات ملموس آن بر جامعه و سیستم‌های آموزشی و اقتصادی روشن‌تر شود.

۴. کاربرد روش‌های چندروشی: ترکیب تحلیل گفتمان با سایر روش‌های پژوهشی مانند مطالعات شبکه اجتماعی، تحلیل محتوا و روش‌های کمی می‌تواند عمق و اعتبار یافته‌ها را افزایش دهد.

۵. بررسی تأثیر فناوری و جهانی‌شدن: با توجه به نقش شبکه‌های اجتماعی و فناوری در گسترش نفوذ جنبش، پژوهش‌های آتی می‌توانند بر چگونگی تعامل گفتمان با محیط دیجیتال و جهانی تمرکز کنند و سازوکارهای بازتولید معنا در عصر فناوری را تحلیل کنند

منابع

- بخشایشی اردستانی، احمد. (۱۳۸۸). تحلیل گفتمانی در بازاندیشی اجتماعی. مجله سیاست، ۳۹ (۱)، ۵۷-۶۶. https://journal.ut.ac.ir/article_20144.html
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۳). گفتمان، پادگفتمان و سیاست. تهران: مؤسسه توسعه علوم انسانی.
- ترابی، یوسف و پیروزفر، مهدی (۱۳۹۶). نوعثمانی‌گری و نوسلفیت: مقایسه موردی فتح‌الله گولن و یوسف القرضاوی. جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، ۵ (۱۱)، ۱۷۵-۱۹۶. <https://doi.org/10.22070/iws.2018.2654.1476>
- حسینی‌زاده، سید محمدعلی (۱۳۸۹). اسلام سیاسی در ایران. قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- حقیقت، سید صادق (۱۳۸۵). روش‌شناسی علوم سیاسی. قم: دانشگاه مفید
- درشتی، فیروزه (۱۳۹۶). جنبش گولن. قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی.
- مارش، دیوید و استوکر، جری (۱۳۸۴). روش و نظریه در علوم سیاسی. ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سلطانی، سید علی‌اصغر (۱۳۸۴). قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر نی.
- مجیدی، حسن و پیروزفر، مهدی (۱۳۹۵). دین و دولت در اندیشه فتح‌الله گولن بر اساس چهارچوب تحلیلی اسپرینگز. پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۶ (۲)، ۱۷۹-۲۰۵. <http://priw.ir/article-1-304-fa.html>
- محمدرضا تاجیک. (۱۳۷۹). گفتمان و تحلیل گفتمانی. تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان

- میر احمدی، منصور و رضائی پناه، امیر (۱۳۹۴). گفتمان اسلام گرایی فرهنگی فتح الله گولن (اسلام به مثابه هویت و فرهنگ). *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، (۳۰۲)، ۱۰۹-۱۹۴.

<http://noo.rs/bLjfl>

-نش، کیت (۱۳۹۱). *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر*. ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: نشر کویر.

-نظری، علی اشرف و سلیمی، برهان (۱۳۹۶). دولت ترکیه و چالش گولنیسم: ابعاد سیاسی و غیر دموکراتیک جنبش گولن. *فصلنامه دولت پژوهی*، ۳ (۹)، ۱۵۷-۱۹۳.

<https://doi.org/10.22054/tssq.2017.9586.61>

- نوروزی فیروز (۱۳۹۱). اسلام ترکی تقابل با اسلام انقلابی مروری بر اندیشه‌های فتح الله گولن. *رهیافت انقلاب اسلامی*، ۶ (۱۹)، ۶۱-۷۸.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/964025>

- هورات، دیوید (۱۳۷۷). *نظریه گفتمان*. ترجمه سید علی اصغر سلطانی. علوم سیاسی، (۲)،

<http://noo.rs/PQu°m>. ۱۵۶-۱۸۳.

-Aras, B. (2017). *The Hizmet movement and its global dimension*. Istanbul: SETA

-Bilici, M. (2018). *Finding Mecca in America: How Islam is becoming an American religion*. Chicago: University of Chicago Press.

-Çetinsaya, G. (2014). Political Islam in Turkey: A case study of Fethullah Gülen movement. *Middle Eastern Studies*, 50(5), 780-798.

https://www.researchgate.net/publication/325092303_Political_Islam_in_Turkey

- Fairclough, Norman.(2001). *Language and Power*. 2nd Edition. London: Longman.

-Fitzgerald, S. T. (2017). Conceptualizing and understanding the Gülen movement. *Sociology Compass*, 11(3). UNC Charlotte Pages.

-Laclau, E. & Mouffe, C. (1985). *Hegemony and socialist strategy: Toward a radical democratic politics*. London: Verso.

-Laclau, E. & Mouffe, C. (2001). *Hegemony and socialist strategy: Toward a radical democratic politics* (2nd ed). London: Verso.

- Rumi Forum. (2008, November 14). Hizmet: From futuwwa tradition to the emergence of movement in public space. <https://rumiforum.org/hizmet-from-futuwwa-tradition-to-the-emergence-of-movement-in-public-space/>
- Tee, C. (2021). The Gülen movement: Between Turkey and international exile. In [Book Title] (pp. 85–109). Leiden: Brill.
- Torfing, Jacob. (1999). *New Theories of Discourse: Laclau, Mouffe and Žižek*. Oxford: Blackwell Publishers.
- Tuğal, C. (2009). *Passive revolution: Absorbing the Islamic challenge to capitalism*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Yavuz, M. H. (2013). *Toward an Islamic enlightenment: The Gülen movement*. Oxford University Press.
- Yavuz, M. H. & Esposito, J. L. (Eds). (2003). *Turkish Islam and the secular state: The Gülen movement*. Syracuse, NY: Syracuse University Press.
- Yavuz, M. H. (2009). *Secularism and Muslim democracy in Turkey*. Cambridge: Cambridge University Press.
- <https://apnews.com/article/turkey-erdogan-gulen-attempted-coup-cleric-d41050930ec515ce8291fd91c84b25a6>
- <https://fgulen.com/af/fethullah-gulens-books/man-in-the-vortex-of-depression/white-and-black>
- <https://fgulen.com/af/fethullah-gulens-books/man-in-the-vortex-of-depression/our-own-sky-dome>
- <https://fgulen.com/af/fethullah-gulens-life-af/about-fethullah-gulen-and-the-gulen-movement-af/fethullah-gulens-intellectual-side?>
- <https://fgulen.com/af/in-media/fethullah-gulen-was-recognized-in-2008-as-top-intellectual?>
- <https://fgulen.com/en/conference-papers-en/gulen-conference-in-washington/hizmet-from-futuwwa-tradition-to-the-emergence-of-movement-in-public-space?>
- <https://fgulen.com/en/conference-papers-en/peaceful-coexistence/the-relevance-of-fethullah-gulens-thoughts-for-democratic-reforms-in-the-muslim>

world

[-https://fgulen.com/en/fethullah-gulens-life-en/a-civilian-response-to-ethno-religious-conflict-the-gulen-movement-in-southeast-turkey/the-hizmet-discourse-of-the-gulen-movement?](https://fgulen.com/en/fethullah-gulens-life-en/a-civilian-response-to-ethno-religious-conflict-the-gulen-movement-in-southeast-turkey/the-hizmet-discourse-of-the-gulen-movement?)

<https://fgulen.com/en/fethullah-gulens-life-en/fethullah-gulen-and-the-gulen-movement-in-100-questions/how-do-fethullah-gulen-and-his-followers-view-democracy?>

<https://fgulen.com/en/press/columns-en/a-theology-of-dialogue?>

[-https://fgulen.com/en/press/columns-en/fethullah-gulen-and-islamic-scholarships-contribution-to-democracy-1](https://fgulen.com/en/press/columns-en/fethullah-gulen-and-islamic-scholarships-contribution-to-democracy-1)

[-https://fgulen.com/en/press/columns-en/hakan-yesilova-turkish-review-on-hizmet-exceptionalism](https://fgulen.com/en/press/columns-en/hakan-yesilova-turkish-review-on-hizmet-exceptionalism)

[-https://fgulen.com/en/recent-articles-en/a-comparative-approach-to-islam-and-democracy?](https://fgulen.com/en/recent-articles-en/a-comparative-approach-to-islam-and-democracy?)

[-https://link.springer.com/article/10.1007/s11562-025-00586-z](https://link.springer.com/article/10.1007/s11562-025-00586-z)

[-https://pages.charlotte.edu/scott-fitzgerald/wp-content/uploads/sites/413/2017/03/Fitzgerald-2017-Sociology_Compass.pdf?](https://pages.charlotte.edu/scott-fitzgerald/wp-content/uploads/sites/413/2017/03/Fitzgerald-2017-Sociology_Compass.pdf?)

[-https://www.dw.com/fa-irAA/a-19478840?](https://www.dw.com/fa-irAA/a-19478840?)

[-https://www.fgulen.com/en/fethullah-gulens-life-en/fethullah-gulen-and-the-gulen-movement-in-100-questions/what-kind-of-a-role-does-fethullah-gulen-attribute-to-consultation-in-the-framework-of-rulers-and-the-ruled-relationships?](https://www.fgulen.com/en/fethullah-gulens-life-en/fethullah-gulen-and-the-gulen-movement-in-100-questions/what-kind-of-a-role-does-fethullah-gulen-attribute-to-consultation-in-the-framework-of-rulers-and-the-ruled-relationships?)

[-https://www.giga-hamburg.de/en/publications/giga-focus/the-guelenists-in-exile-reviving-the-movement-as-a-diaspora?](https://www.giga-hamburg.de/en/publications/giga-focus/the-guelenists-in-exile-reviving-the-movement-as-a-diaspora?)

[-https://www.gulenmovement.com/the-hizmet-movement-a-good-partner-in-dialogue.html?](https://www.gulenmovement.com/the-hizmet-movement-a-good-partner-in-dialogue.html?)

[-https://www.middleeastmonitor.com/20140329-myths-and-facts-about-turkeys-guelen-movement](https://www.middleeastmonitor.com/20140329-myths-and-facts-about-turkeys-guelen-movement)

[-https://www.turkishminute.com/2024/11/28/turkish-govt-accused-of-using-links-to-gulen-to-exert-pressure-on-judiciary-members](https://www.turkishminute.com/2024/11/28/turkish-govt-accused-of-using-links-to-gulen-to-exert-pressure-on-judiciary-members)